

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنِّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يُضِلِّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

موضوع مناظره : توحید، تجسیم، و مکان مندی خدای تعالی

طرفین : از اهل سنت و اهل تشیع



برادر صلاح الدین (اهل سنت)



برادر صبیحیت (اهل تشیع)

TIAMO (ناظم گروه):

سلام و درود خدمت اعضای گروه و هر دو عزیز...

استاد صمیمیت و جناب صلاح الدین

صلاح الدین (اهل سنت):

علیکم السلام ورحمة الله

صمیمیت (اهل تشیع):

بسم الله النور. سلام و شب بخیر. امشب هم در خدمت دوستان هستیم تا یک گفتگوی علمی داشته باشیم. ان شاء الله گوشه ای از حقیقت برای همه روشن شود. در خدمتمز

TIAMO (ناظم گروه):

بسیار خب. بفرمایید جناب صلاح الدین

⇐ تایم جناب صلاح الدین ایوبی

شروع ۲۲:۶

پایان ۲۲:۱۶

—□—□—

صلاح الدین (اهل سنت):

بسم الله الرحمن الرحيم. إن الحمد لله، نحمده ونستعينه، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأن محمداً عبده ورسوله، اللهم صل على محمد وعلى آل محمد، كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد.

سلام مجدد، برادران عزیز اهل سنت و اهل تشیع! امشب قرار است ان شاء الله در باب «توحید، مکان‌مندی، و تجسیم» صحبت کنیم. برای آنکه عقیده ما در این باب را خوب بدانید، «قرآن ما» در خانه‌هایتان را مطالعه کنید.

[[اینکه گفتم «قرآن ما»، بخاطر آن بود که این قرآن که در تاقچه‌های شماست، توسط خلیفه ما در یک مصحف جمع‌آوری و در تمام بلاد، گسترش یافت. و ما آن را متواتراً از صحابه و خلفای خود، از پیغمبر، از جبریل امین، از خدای عزوجل، أخذ کرده‌ایم. و تا الان ندانستم که شیعیان، چگونه و با کدام سند به این «مصحف عثمانی» رسیدند و آنرا حجت دانسته‌اند! درحالی که به گفته علامه مجلسی، تحریف این قرآن، متواتراً ثابت است!!! و از آنجا که قرآن شیعیان (یعنی مصحف علی) در دست امام‌زمان است؛ لذا ما ناچار باید به احادیث شما استناد کنیم]]

مخلص کلام: مهم‌ترین مستند عقاید ما، قرآنی‌ست که حضرت عثمان جمع‌آوری و گسترش داد و اکنون در دسترس همه است.

اهل سنت و جماعت معتقد اند که طبق «توحید ذات»، ذات خدا متشکل از اعضا و اجزاء نیست و واحد است. و نیز هم‌تا و شریکی ندارد. و طبق «توحید صفات»، صفات او شبیه هیچیک از مخلوقات نیست و او هرگز زمان و مکان ندارد. و طبق

«توحید افعال»، تمام اعمال و افعال و حوادث، به اذن خدا و خَلق الهی است. و انسان در کسب آن، مختار است.

در مورد مکان :

امام اعظم ابوحنیفه :

[قيل له] أ رأيت لو قيل أين الله تعالى؟ فقال : يقال له كان الله تعالى ولا مكان قبل أن يخلق الخلق وكان الله تعالى ولم يكن أين ولا خلق كل شيء وهو خالق كل شيء. از ایشان پرسیدند «اگر گفته شود خدا کجاست!». فرمود : باید گفت : خدا وجود داشت و مکانی نبود و چیزی خلق نکرده بود. و چیزی به نام «کجا» وجود نداشت. او خالق هر چیز است. [الفقه الأيسر ۱/۱۶۱]

امام ابوالحسن اشعری : «إن الله تعالى لا مكان له».

خدای تعالی، هیچ مکانی ندارد. [الأسماء والصفات للبيهقي / ۴۴۸]

امام عبدالقاهر بغدادی : وأجمعوا [أي أهل السنة] على أنه [سبحانه] لا يحويه مكان ولا يجري عليه زمان.

تمام اهل سنت و جماعت، اجماع دارند که هرگز زمان و مکان بر خدا حاوی و جاری نیست. [الفرق بين الفرق / ۳۲۱]

امام ابومنصور ماتریدی {حنفی} : إن الله سبحانه كان ولا مكان، وجائز ارتفاع الأمكنة وبقاؤه على ما كان، فهو على ما كان، وكان على ما عليه الآن، جل عن التغير والزوال والاستحالة.

خدا بود، و هیچ مکانی نبود. نیز می تواند همانگونه بوده باشد، و تمام مکان ها از بین برود. پس او همچنان همانگونه که بوده، هست. منزّه است از تغییر و زوال و استحاله. [التوحيد / ۶۹]

امام ابوبکر باقلائی {مالکی} : ولا نقول إن العرش، له [أي لله] قرارٌ ولا مكان، لأن الله كان ولا مكان، فلما خلق المكان لم يتغير عما كان.

عرش، مکان خدا نیست. زیرا خدا بود ومکانی نبود. وآنگاه که مکان را خلق کرد، تغییری ننمود از آنچه که بود. [الانصاف فیما يجب اعتقاده ولا يجوز الجهل به/ ۶۵]

امام فخر رازی {شافعی} : فقد انعقد الإجماع على أنه سبحانه ليس معنا بالمكان والجهة والحيز.

اجماع، منعقد است بر اینکه خداوند با ما هرگز در مکان وجهت و حیّز نیست. [التفسير الكبير ۴۹/۲۹]

امام ابن حزم اندلسی {ظاهری} : وأنه تعالى لا في مكان ولا في زمان، بل هو تعالى خالق الأزمنة والأمكنة.

خدای تعالی، نه در مکان و نه در زمان است. بلکه او خالق زمان ها و مکان هاست. [علم الكلام/ ۶۵]

امام ابن جوزی {حنبلی} : الواجب علينا أن نعتقد أن ذات الله تعالى لا يحويه مكان ولا يوصف بالتغير والانتقال.

واجب است که معتقد باشیم ذات خدا، نه مکان دارد و نه تغییر وانتقال می یابد. [دفع شبه التشبيه/ ۵۸]

و در مورد تجسیم :

امام قاضی عبدالوهاب {مالکی} : «..وذلك يؤول إلى التجسيم وإلى قدم الأجسام وهذا كفر عند كافة أهل الإسلام.»

تجسیم، نزد تمام اهل اسلام، کفر است. [شرح عقيدة مالك الصغير/ ۲۸]

امام غزالی {شافعی} : فإن خطر بباله أن الله جسم مركب من أعضائه فهو عابد صنم.. فمن عبد جسمًا فهو كافر بإجماع الأمة السلف منهم والخلف.

اگر به ذهن کسی خطور کند که خدا جسم است و مرکب از اعضاست، او در واقع یک بت می پرستد. کسی که جسم پرستد، به اجماع امت، کافر است. [إلجام العوام]

امام ابن بلبان {حنبلی} : من شبهه بشيء من خلقه فقد كفر كمن اعتقده جسما. هر کس خدا را به مخلوقاتش تشبیه کند، مانند کسی که معتقد له تجسیم باشد؛ یقیناً کافر شده است. [مختصر الإفادات / ۴۹۰]

امام ملا علی قاری {حنفی} : من قال بأنه سبحانه جسم وله مكان ويمر عليه زمان ونحو ذلك فإنه كافر.

آنکه بگوید خدا جسم است و مکان و زمان دارد، قطعاً کافر است. [شرح رسالة المكفرات]

من البتة فقط به چند مورد از علمای مذاهب اربعه اکتفا کردم. در کتاب «غاية البيان في تنزيه الله عن الجهة والمكان» اقوال صدها نفر از علمای اهل سنت آمده که خداوند، منزّه از مکان و جسم است. و عقیده ما در اینباره، همیشه مشخص بوده.

البتة درباره «جسم» و «مکان»، باید دانست که اینها از الفاضی هستند که معنی و استعمالاً، دو پهلو هستند.

مکان، می تواند در معنای «حیّز، و محلّ وجود مخلوقات» استعمال شود. که این درباره پروردگار، محال است. [چنانکه اقوال علماء را فرستادم]. و نیز می تواند مصدر میمی و به معنای مطلق «گویند و وجود» باشد. که قطعاً درباره پروردگار، ثابت است.

چنانکه واژه‌ی «جسم» نیز می‌تواند در معنای «شیء مؤلف مرکب» باشد. که درباره پروردگار، محال است. [چنانکه اقوال علماء را فرستادم]. ونیز در معنای مطلق «موجود» و «شیء قائم بالذات» استعمال شود. که درباره پروردگار، ثابت است.

چنانکه علامه مجلسی می‌گوید : فقد قيل : إنهما [الهشامین] قالا بجسم لا كالأجسام وبصورة لا كالصور. فلعل مرادهما بالجسم : الحقيقة القائمة بالذات وبالصورة الماهية وإن أخطأ في إطلاق هذين اللفظين عليه تعالى. [بحار الأنوار للمجلسي ۳/۲۸۷]

وشيخ طوسی نیز می‌گوید : اگر گفته شود «خدا جسم است، ولی مانند سایر اجسام نیست»؛ این ایرادی ندارد وتشبیه نیست!!

فأما ما رمي به هشام بن الحكم من القول بالتجسيم، فالظاهر من الحكاية عنه القول «بجسم لا كالأجسام»، ولا خلاف في أن هذا القول ليس بتشبيه ولا ناقض لأصل ولا معترض على فرع، وأنه غلط في عبارة يرجع في اثباتها ونفيها إلى اللغة. (اختيار معرفة الرجال ۲/۵۶۱)

تا جایی که صدر المتألهین [ملا صدرا] صراحتاً می‌گوید «خدا، یک جسم إلهی است». فليجز ان يكون في الوجود «جسم الهي» ليس كمثله شيء وهو السميع البصير المسمى بالأسماء الإلهية المنعوت بالنعوت الربانية. (شرح أصول الكافي، الملا صدر المتألهين ۳/۲۰۷)

آیت الله خوئی نیز، اشاره فرمودند.

هذا. والعجب عن صدر المتألهين حيث ذهب إلى هذا القول في شرحه على الكافي وقال ما ملخصه : انه لا مانع من التزام أنه سبحانه جسم إلهي. (كتاب الطهارة، للخوئی، الجزء ۳)

بنابراین برخی از علمای اهل سنت [که وارد کلام و اصطلاحات کلامی نشدند]، به همان «تنزیه پروردگار از تشبیه» اکتفا کردند. که اعمّ از تجسیم است. و هر نوع تشبیه خالق به مخلوق را خطا و بلکه کفر دانستند.

از آنجا که موضوع صحبت ما توحید است؛ و از مهم‌ترین اشکالاتی که اهل سنت، از سایر فرقه‌ها می‌گیرند، «مبحث توحید» است؛ لذا در این ابتدا بنده دو سؤال از حضرت‌عالی دارم.

۱. سؤال نخست من، درباره مرجع تقلید شیعیان، آیت‌الله العظمی بهجت است. ایشان می‌گویند: هیچ فرقی بین تو (یعنی خدا) و اولیاءت (یعنی امامان) نیست. جز اینکه آنان بندگان تو اند. خدا هیچ امتیازی برائمه ندارد، «إلا أنهم عبادک». طبق عقیده ما اهل سنت، میان خدا و مخلوقات، هیچ اشتراکی در هیچ جهتی نیست! نه فقط در خالقیت و ربوبیت، بلکه در هیچ صفتی از صفات پروردگار، هیچکس مانند خدا و حتی نزدیک به او نیست. دقت کنید! بحث از استقلال یا إعطاء نیست! از نظر ما، کُنه و عمق صفات خالق، حتی قابل فهم و درک برای بشر نیست. چه رسد که قابل تفویض به بشر باشد!! لذا لطف بفرمایید این مشابَهتِ ائمه با خدا، در تمام صفات (غیر از یکی دو مورد)، را برای ما و دوستان، شرح بدهید. که چگونه با توحید، سازگار است!

۲. و سؤال دوم بنده، درباره افاضات آیت‌الله حسن زاده آملی است.

ابتدا جایگاه ایشان را مرور کنیم:

۱. علامه طباطبائی : «راهی که حسن زاده پیش گرفته است، خاک آن توتیای چشم من است. شخصیت ایشان را جز امام زمان، کسی بدان پی نبرده است».

۲. آیت الله خامنه‌ای : «استادی همچون حضرت آقای حسن زاده آملی [دامت معالیه] که میان مراتب عالیه علمی و مقامات و فتوحات معنوی و روحی جمع کرده‌اند، برای هر مؤسسه علمی و دانشگاهی و حوزه‌ای، مغتنم و موجب افتخار است».

رهبر در جای دیگر، او را «گوهر درخشان منطقه آمل، حضرت آیه الله حسن زاده» نامید.

۳. علامه شعرانی : «مولانا الأجل الموفق نجم الدین ونور الصبایه ومصباح العلم وشمس الهدایه شیخ حسن آملی، معروف به حسن زاده است»

۴. آیت الله صالحی مازندرانی : «در عصر حاضر کسی را از جهت جامعیت در حدّ ایشان [حسن زاده] سراغ نداریم. طوری که می‌شود ایشان را ذوالفنون و جامع الفنون نامید»

۵. آیت الله صمدی آملی : «بعد از اتمام رساله زبرجدیه ایشان، شخصی در خواب دید که امام سجاد به آقای حسن زاده گفتند شما در نماز جلو بایست که ما می‌خواهیم به شما اقتدا کنیم»

۶. آیت الله جوادی آملی : «ایشان از حکمای ذوفنون معاصر به‌شمار می‌رود»

اکنون ببینیم که این «ذوالفنون و خورشید هدایت شیعیان، که امام سجاد پشت سر او می‌ایستد و او را فقط امام زمان شناخته» چه‌ها فرموده :

بنابراین، عتاب موسی برادرش هارون را، از این جهت بود که هارون، انکار عبادت عجل [گوساله] می نمود و قلب او چون موسی اتّساع نداشت. چه اینکه عارف، حق را در هر چیز می بیند؛ بلکه او را عین هر چیز می بیند. (ممد الهمم ۵۱۴)

اما نسبت به مشرکان که غیر خداوند از موجودات را پرستش می کنند؛ پس منتقم از آنها انتقام می گیرد زیرا که آنان حق را محصور کرده اند در آن چه که او را پرستش کردند و إله مطلق را مقید قرار دادند. اما از آن جهت که معبودشان عین وجود حق است که در این صورت ظاهر شده است، پس پرستش نمی کند مگر خدا را. فرضي الله عنهم من هذا الوجه. (ممد الهمم ۲۱۳)

هریک از ممکنات، مظهر یک اسم از اسمای حق اند. هرچند گفتن و شنیدن این سخن دشوار است، ولی حقیقت این است که شیطان هم مظهر اسم یامضل است! (یازده رساله فارسی ۲۸۸)

چون به دقت بنگری، آنچه در دار وجود است، وجوب است. و بحث در امکان، برای سرگرمی است. (ممد الهمم ۱۰۷)

چه اینکه حق تعالی بر عبد خود غیور است. یعنی غیور است بر بنده خود که اعتقاد کند که به غیر او [سبحانه] لذت می برد. پس او را به غسل کردن، تطهیر نمود تا از این تطهیر، عبد برگردد و به حق بنگرد. پس حق را در آن کسی (یعنی در زن) که عبد در او فانی شده بود، مشاهده کند. چه اینکه در واقع و نفس الأمر، التذاذ به حق است نه به غیر حق.

پس چون رَجُل [مرد]، حق را در مرأه [زن] مشاهده کرد، شهود در منفعل کرده است. و چون رجل، حق را در نفس خود مشاهده کند از جهت ظهور مرأه از او یعنی از رجل، حق را در فاعل مشاهده کرده است. پس شهود رَجُل، حق تعالی را در

مرأه (یعنی در حین مواقعه) اتم و اکمل است. زیرا رجل، حق را در مرأه مشاهده می کند از آن حیث که حق، فاعل و منفعل است. (ممد الهمم ۶۰۸)

اینکه آنان گفتند «خداوند، مسیح بن مریم است» از جهت تعین هویت حق به صورت عیسوی راست گفته اند. و همچنین اینکه عیسی مسیح بن مریم است راست گفته اند و لکن حصر حق تعالی در صورت عیسی نادرست و باطل است. زیرا همه ی عالم، چه غیب و چه مشهود، صورت حق است. نه عیسای فقط. (ممد الهمم ۳۵۷)

خلق که در وجود، چشم، آنرا مشاهده می کند، نیست مگر اینکه عین او و ذات او «عین» حق است که در این صورت ظاهر شده است. پس آنچه که مشهود است، حق است. و خلق، جز موهومی بیش نیست؛ از این روی، آنرا خلق گفته اند (که خلق به معنی اختلاق است). (ممد الهمم ۲۵۹)

چنانکه مشاهده کردید، ایشان صراحتاً بیان کرد که : گوساله پرستان و عیسی پرستان و بت پرستان، گناه شان آن نیست که این موجودات را خدا می دانند. اتفاقاً خدا از این کارشان خشنود است. ولی گناه شان آن است که خدا را منحصر در اینها دانستند. درحالی که همه ی موجودات، عین ذات خدا اند. حتی شیطان! و حضرت موسی وقتی برادرش هارون را عتاب کرد؛ بخاطر آن نبود که چرا اجازه دادی بنی اسرائیل، گوساله پرستند! بلکه بخاطر آن بود که چرا آنها را از گوساله پرستی، منع کردی!! مگر ندانستی که گوساله نیز، خداست! و وقتی مرد از همسر خود لذت می برد، خدا غیرتی می شود. و منفعل مرد می گردد و مرد، بر خدا جماع می کند و لذت می برد! و خلاصه اینکه تمام موجودات، «عین» ذات خدا اند. و غیر خدا، توهم است.

بفرمایید که آیا این **توحید** است یا **همه خدای** [بزرگترین شرک]

[نکته : در مورد ابن عربی، صاحب فصوص، باید عرض کنم که علمای ما دو دیدگاه دارند. عده‌ای او را کافر وزندیق دانسته‌اند (النجم الوهاج ۶/۲۸۶) و بعضی گفته‌اند که کتاب فصوص الحکم، تحریف شده و توسط دیگران، کفریات به آن اضافه شده و خود ایشان، قائل به این کفریان نبوده (الدر المختار ۴/۲۳۷). در هر حال کسی او را با این کتاب و کفریات، نپذیرفته. و ما هم، همین موضع را داریم : «لا شك في اشمال"الفصوص" المشهورة، على الكفر الصريح الذي لا شك فيه، وكذلك "فتوحاته المكية". فإن صحّ صدور ذلك عنه، واستمر عليه إلى وفاته، فهو كافر مخلد في النار بلا شك». پس ذهن‌تان به سمت ابن عربی نرود! اقوال جناب حسن‌زاده را توضیح بفرمایید]

در ظاهر، پر حرفی کردم. و عذر می‌خواهم. لکن در واقع، این ابتدا فعلاً فقط دو سؤال از حضرت‌عالی داشتیم، در باب سخنان آن دو آیت‌الله‌العظمی.

TIAMO (ناظم گروه) :

⇐ تایم استاد صمیمیت

شروع : ۲۲:۱۶

پایان : ۲۲:۲۶

—□—□—

صمیمیت (اهل تشیع) : الحمد لله و سلام على عباده الذين اصطفى

۱- قرار است در مناظره ها طرفین از خودشان مطلب بنویسند نه اینکه به قول استادتان جناب خاقانی برف انبار نمایند.

۲- ایشان به صراحت بند ۴ قوانین مناظره را نقض کردند و خروج موضوعی متعدد داشتند. موضوع مناظره مشخص است و قبلا هم به اطلاع ایشان رسیده است. موضوع نه تحریف قرآن است نه مقامات ائمه نه تاریخ جمع قرآن و نه... لذا روشن نیست ایشان چرا چند خروار مطلب بی ربط به موضوع مناظره اینجا ارسال کردند. شاید خودشان بهتر دلیلش را می دانند.

۳- از این رو، پاسخ به سوالات ایشان- به دلیل بی ارتباط بودن به موضوع مناظره- ضرورتی ندارد و ما از ایشان یک سوال ساده می پرسیم:

عقیده اهل ست و جماعت درباره آیاتی نظیر جاء ربک/ الرحمن علی العرش استوی/ یدالله/ وجه الله/ عین الله که در قرآن آمده است چیست؟ آیا اینها دلالت بر تجسیم و مکانمند بودن الله میکند یا خیر؟

TIAMO (ناظم گروه):

—□—□—

⇐ تایم جناب صلاح الدین ایوبی

شروع: ۲۲:۲۲

پایان: ۲۲:۳۲

—□—□—

صلاح الدین (اهل سنت):

بسیار خوب

بنده از قرآن گفتم، چون مهمترین استدلال ما برای عقایدمان، قرآن عظیم الشان است. و شما حق دارید درباره تحریف، صحبت نکنید. و منم نخواستم در آن باره صحبت کنید.

اما دو سؤال ما را باید پاسخ می دادید. چون کاملاً مرتبط به موضوع «توحید» بود.

۱. مرجع تقلید شیعیان، آیت الله العظمی بهجت فرمود: هیچ فرقی بین تو (یعنی خدا) و اولیاءت (یعنی امامان) نیست. جز اینکه آنان بندگان تو اند. خدا هیچ امتیازی برائمه ندارد، «إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ».

۲. و آیت الله العظمی حسن زاده آملی فرمود:

گوساله پرستان و عیسی پرستان و بت پرستان، گناهشان آن نیست که این موجودات را خدا می دانند. اتفاقاً خدا از این کارشان خشنود است. ولی گناهشان آن است که خدا را منحصر در اینها دانستند. درحالی که همه ی موجودات، عین ذات خدا اند. حتی شیطان!

و حضرت موسی وقتی برادرش هارون را عتاب کرد؛ بخاطر آن نبود که چرا اجازه دادی بنی اسرائیل، گوساله پرستند! بلکه بخاطر آن بود که چرا آنها را از گوساله پرستی، منع کردی!! مگر ندانستی که گوساله نیز، خداست!

و وقتی مرد از همسر خود لذت می برد، خدا غیرتی می شود. و منفعل مرد می گردد و مرد، بر خدا جماع می کند و لذت می برد!

و خلاصه اینکه تمام موجودات، «عین» ذات خدا اند. و غیر خدا، توهم است.

این دو سؤال بنده، کاملاً مرتبط با موضوع توحید است و همه‌ی اعضا می‌دانند. و لذا جا داشت که حتماً پاسخ بدهید. که متأسفانه ندادید.

و اما عقیده‌ی اهل سنت و جماعت را خواستید.

من ابتدا، این موضوع را از اجماع اهل سنت و جماعت آوردم. که خداوند متعال، منزّه از مکان و جسم و سایر صفات خلائق است. و مقصود پروردگار از این آیات، قطعاً چیزی غیر از آنی است که برای مخلوقات است.

في المثل امام محي الدين نووي (رحمه الله) درباره صفت نزول می‌فرماید :

هذا الحديث من أحاديث الصفات، وفيه مذهبان مشهوران للعلماء سبق إيضاحهما في كتاب الإيمان، ومختصرهما أن أحدهما وهو مذهب جمهور السلف وبعض المتكلمين : أنه يؤمن بأنها حق على ما يليق بالله تعالى، وأن ظاهرها المتعارف في حقنا غير مراد، ولا يتكلم في تأويلها مع اعتقاد تنزيه الله تعالى عن صفات المخلوق، وعن الانتقال والحركات وسائر سمات الخلق. والثاني : مذهب أكثر المتكلمين وجماعات من السلف وهو محكي هنا عن مالك والأوزاعي : أنها تتأول على ما يليق بها بحسب مواطنها، فعلى هذا تأولوا هذا الحديث تأويلين؛ أحدهما : تأويل مالك بن أنس وغيره، معناه : تنزل رحمته وأمره وملائكته، كما يقال : فعل السلطان كذا؛ إذا فعله أتباعه بأمره. والثاني : أنه على الاستعارة، ومعناه : الإقبال على الداعين بالإجابة واللفظ، والله أعلم. (المنهاج شرح صحيح مسلم)

بسیاری از سلف و برخی از خلف می‌گویند : امثال این آیات و احادیث را، همین‌گونه که خدا و رسول فرموده، ما نیز حکایت می‌کنیم. و خدا را منزّه از حرکت و انتقال می‌دانیم. و تعیین نمی‌کنیم که مقصودش [توجه است، یا إقبال، یا اجابت، یا لطف، یا کدام!] بلکه به خود خدا موکول می‌کنیم.

از طرفی، بسیاری از خلف و برخی از سلف نیز گفته‌اند: مقصود را تعیین می‌کنیم
و تأویل به «نازل شدنِ توجّه و أَلطاف الهی» می‌کنیم.

هر دو طیف، معتقد اند که این آیات و روایات درباره خدا، آن معنای «حرکت و
انتقال مانند مخلوقات» را نمی‌دهد. و خدا منزّه از صفات خلائق است.

TIAMO (ناظم گروه):

—□—□—

⇐ تایم استاد صمیمیت

شروع: ۲۴:۳۳

پایان: ۲۴:۴۳

—□—□—

صمیمیت (اهل تشیع):

۱- من نگفتم مقامات اهل بیت ارتباط با توحید ندارد عرض کردم با "موضوع
مناظره" ارتباط ندارد و الا می‌شود از نبوت و امامت و معاد هم بحث کرد چون به
نحوی به توحید مرتبط است. پس لطفاً خارج از موضوع سوالی نکنید.

۲- اما در پاسخی که دادید نوشتید «خداوند متعال، منزّه از مکان و جسم و سایر
صفات خلائق است. و مقصود پروردگار از این آیات، قطعاً چیزی غیر از آنی است
که برای مخلوقات است» خب پرسش مهم ما این است که با توجه به اعترافاتی که
از علمای سنی آوردید در فی تجسیم و مکانمند بودن خدا (که فعلاً به صحت و سقم

این ادعاها کاری ندارم) این آیات چه منظوری دارد؟ مقصود پروردگار از این آیات چیست؟

از نقل قولی که از نووی آوردید چیزی دستگیر من نشد که بالاخره رای اهل سنت چیست! لطفا از کپی پیست کردن مطالب بکاهید و نظر خودتان را بیان کنید. طرفین مناظره، بنده و شما هستیم نه نووی و ابن حزم و ابن بلبان و علامه حسن زاده و آقای بهجت.

حال دوباره سوالم را با اضافاتی تکرار میکنم: در سایت «اسلام وب» که مروج و ناشر عقاید و منهج اهل سنت و جماعت است ذیل فتوای شماره ۷۶۱۱۱ گفته اند خدا در عرش است و این عقیده را اجماع سلف و خلف معرفی کردند. در فتوای ۱۴۰۱۸۲ هم نوشتند صفت جسمانیت برای خدا ثابت است و در فتوای ۶۷۰۷ هم نوشتند امام مالک معتقد بود خدا در آسمان است

حال شما دوست عزیز بفرمایید این سایت رسمی اهل سنت و جماعت درست می گوید یا شما؟ و اگر شما درست می گوید آیاتی را که ذکر کردم برای ما شیعیان معنا کنید که مقصود خدا از دست و صورت و چشم و آمدن و... چیست؟

TIAMO (ناظم گروه):

—□—□—

⇐ تایم جناب صلاح الدین ایوبی

شروع: ۲۲:۳۹

پایان: ۲۲:۴۹

صلاح الدین (اهل سنت):

بنده از مقامات امامان، صحبت نکردم. بلکه از «مساوی بودن امامان با پروردگار»، حرف زدم. که شرک است و مغایر با توحید.

اگر مخلوق را مانند خدا بدانید؛ این ارتباطی با توحید [یگانگی خدا] ندارد؟
اگر گوساله و سیدنا عیسی صلی الله علیه و آله و بت‌ها را، #عین ذات پروردگار بدانید؛ این ارتباطی با موضوع توحید ندارد؟

لذا من (و احتمالاً اعضا)، دلیل جواب ندادن شما برادر عزیز را، متوجه نشدیم!

آیت الله العظمی حسن زاده آملی فرمود :

گوساله پرستان و عیسی پرستان و بت پرستان، گناه‌شان آن نیست که این موجودات را خدا می‌دانند. اتفاقاً خدا از این کارشان خشنود است. ولی گناه‌شان آن است که خدا را منحصر در اینها دانستند. درحالی که همه‌ی موجودات، عین ذات خدا اند. حتی شیطان!

و حضرت موسی وقتی برادرش هارون را عتاب کرد؛ بخاطر آن نبود که چرا اجازه دادی بنی اسرائیل، گوساله بپرستند! بلکه بخاطر آن بود که چرا آنها را از گوساله پرستی، منع کردی!! مگر ندانستی که گوساله نیز، خداست!

و وقتی مرد از همسر خود لذت می‌برد، خدا غیرتی می‌شود. و منفعل مرد می‌گردد و مرد، بر خدا جماع می‌کند و لذت می‌برد!

و خلاصه اینکه تمام موجودات، «عین» ذات خدا اند. و غیر خدا، توهم است.

اینها ربطی به موضوع توحید ندارد؟!

بسیار خوب. شما برادر عزیز، در سخنان خود، تناقض دارید! می‌گویید که نظر اهل سنت و جماعت را بیاورم؛ وقتی می‌آورم، می‌گوید که کاری با اینها ندارم!!! لذا خواهشاً ابتدا تکلیف خود را مشخص بفرمایید برادر عزیز!

نظر اهل سنت و جماعت، همانی بود که ابتدای مناظره فرستادم. و مجدداً درخواست کردید؛ منم مجدداً از امام نووی فرستادم. نظر شخص بنده نیز، یقیناً همین‌هاست که فرستادم.

اینکه ما معتقد به آیهی «الرحمن علی العرش استوی» هستیم، مسلم است. اما مقصود از استواء، چیست! کلام علما را (که نظر خودم نیز هست) فرستادم.

جسم نیز، می‌تواند به معنای «موجود، و شیء قائم بالذات» باشد. و نیز می‌تواند به معنای «شیء مؤلف مرکب» باشد. اولی، اثبات است و دومی، نفی! (در ابتدا مفصل عرض کردم. لکن نخواندید)

وهیچ سائقی، اینجا تعیین تکلیف نمی‌کند. آنچه که به کار می‌آید، عقیده‌ی جمهور اهل سنت و یا شیعیان است. که باید مورد گفتگو قرار گیرد.

اکنون درباره حدیثی از مذهب تشیع، توضیح بفرمایید :

کِتَابُ زَيْدِ التَّرْسِيِّ : عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ : إِنَّ اللَّهَ يَنْزِلُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ فِي أَوَّلِ الزَّوَالِ إِلَى الْأَرْضِ عَلَى جَمَلٍ أَفْرَقَ يُصَالُ بِفَخِذَيْهِ أَهْلُ عَرَفَاتٍ يَمِيناً وَشِمَالاً وَلَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى إِذَا كَانَ عِنْدَ الْمَغْرِبِ وَنَفَرَ النَّاسُ وَكَلَّ اللَّهُ مَلَكََيْنِ بِجِبَالِ الْمَأْزَمِينَ يُنَادِيَانِ عِنْدَ الْمَضِيقِ الَّذِي رَأَيْتَ : يَا رَبِّ سَلِّمْ وَسَلِّمْ وَالرَّبُّ يَضَعُ إِلَى السَّمَاءِ وَيَقُولُ جَلَّ جَلَالُهُ : آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، فَلِذَلِكَ لَا تَكَاذُ تَرَى صَرِيحاً وَلَا كَسِيراً.

عبدالله بن سنان می گوید : شنیدم امام جعفر صادق فرمود : خداوند متعال، در
ظهر عرفه، سوار بر شتری به زمین فرمود می آید. و اهالی عرفات (حاجیان که در
عرفات اند) از راست و چپ، به ران های پروردگار می رسند.. سپس پروردگار دوباره
به آسمان صعود می کند..

۱. الأصول الستة عشر [کتاب زید النرسي] ۱/۲۰۴

۲. بحار الأنوار ۹۶/۲۶۲ [بجذف جمل أفرق!!]

۳. مستدرک الوسائل ۱۰/۴۷ [بجذف جمل أفرق!]

«زید النرسي»، خودش و اصلش را علمای شیعه توثیق کرده اند. و ادله ی زیادی
برای معتمد بودن او و اصلش آورده اند :

زید النرسي، معتمد هو وأصله :

۱. تنقيح المقال للمامقاني ۱/۵۹

۲. خاتمة المستدرک، للميرزا النوري ۱/۶۲

۳. بحار الأنوار، للمجلسي ۱/۴۴

۴. الرسائل الفقهية، للوحيد البهبهاني / ۷۲ و ۷۳

۵. طرائف المقال للبروجردي ۱/۴۶۸

۶. مستدرکات علم رجال الحديث، للشاهرودي ۳/۴۸۸

۷. الفوائد الرجالية، للسيد بحر العلوم ۲/۳۶۰

۸. الفائق في رواية وأصحاب الإمام الصادق، للشبستري ۱/۶۳۹

۹. الثقات الأخيار من رواة الأخبار، للمظاهري/ ۵۱۱

۱۰. فهرست منتجب الدين بن بابويه/ ۳۲۱

۱۱. معجم رجال الحديث، للخوئي ۸/۱۳

۱۲. أحوال رجال الأصول الستة عشر، لمحمد علي آبادي/ ۵۲۵

حديث فوق را خواهشاً شرحی بفرمایید

TIAMO (ناظم گروه):

—□—□—

⇐ تایم استاد صمیمیت

شروع ۲۲:۵۰

پایان ۲۳:

—□—□—

استاد ارجمند تایم شما به اتمام رسیده

تشریف دارید؟

فکر کنم نت استاد قطع شده

چند دقیقه صبر کنیم تا استاد آنلاین بشن

مشکلی ندارید شما جناب صلاح الدین؟ صلاح الدین ایوبی (فاتح قدس)

صلاح الدین (اهل سنت):

نه برادر. اشکالی ندارد. دقایقی منتظر برادرمان صمیمیت می مانیم

TIAMO (ناظم گروه): زنده باشید

صمیمیت (اهل تشیع):

۱- از ارسال نظرات علمایتان منع نکردم. عرض کردم نظر خودتان را می خواهم و الا ارسال نظر دیگران، ملازمه ای با قبول آنها ندارد کما اینکه اهل سنت و جماعت بسیاری روایات صحاح خود (و حتی صحیحین) را نپذیرفتند. پس منظور بنده را درست دریافت کنید.

۲- ارتباط فرمایش حضرت علامه حسن زاده- حفظه الله- با توحید مشخص است ولی ربطش به موضوع مناظره که تجسیم و تمکن الله است مشخص نیست همانطور که مساله تحریف قرآن و تواتر قرآن عثمان و ... برای دوستان مشخص نبود. لابد آنها هم به توحید ربط داشت!!!

۳- چگونه است که سایتهای رسمی اهل سنت و جماعت تعیین تکلیف نمی کند ولی عبارات علامه حسن زاده و آیت الله بهجت قرار است برای ما تعیین تکلیف کند؟ این تناقض در منهج جنابان را چگونه حل کنیم؟

۴- اما مساله سایت «اسلام وب» با اقوالی که نقل کردید قیاس مع الفارق است زیرا این سایت فتاوی منتشر کرده و آنها را اجماع نظر اهل سنت و جماعت و عقیده صحیح اسلامی دانسته است ولی عباراتی که از علمایتان آوردید در تضاد کامل با

این فتاواست و شما هم رای خودتان را نظر جمهور اهل سنت میدانید!! بخلاف علمای شیعه- کثرهم الله- که در هیچ کتاب اعتقادی شان از صدر اسلام تا الان حتی یک خط به تجسیم و مکانمند بودن خدا تصریح نکردند. حالا چه کسی این وسط راست می گوید(سایت رسمی اسلام وب یا جنابعالی؟ من نمی دانم)

پس این شما عزیزان اهل سنت هستید که اول باید تکلیفتان را با این تناقض فتاوی رسمی بزرگانتان روشن کنید که بالاخره خدا جسم است و بالای عرش نشسته است و دست و چشم و پا دارد یا منزله از جسمانیت و مکان است؟ چون ما و دوستان چیزی دستگیرمان نشد و باید ابتدا این تهافت حل شود.

لذا برای رفع این تعارض و تهافت، برای دوستان، بفرمایید منظور از آیاتی که ذکر کردم چیست؟ روش و شفاف معنا بفرمایید. پوزش. نت بنده دقایقی قطع شد

TIAMO (ناظم گروه): زنده باشید استاد. پیش میاد

⇐ تایم جناب صلاح الدین ایوبی

شروع: ۲۳:۷

پایان: ۲۳:۱۷

□—□—□ عزیزان. پارت بعدی پارت آخر هست

صلاح الدین (اهل سنت):

بسیارخوب. فرمودید نظر علما به معنای پذیرش نیست. خب دوست عزیز! من صراحتاً عرض کردم که خودم نیز کاملاً موافق همین سخنان علمای مان هستم. و

علماء، إجماع اهل سنت را اشاره کردند. ان شاء الله متوجه هستید که بنده اهل سنت و جماعت هستم!!

فراموش نکنید که موضوع مناظره، توحید و تجسیم و مکان‌مندی است. پس سخنان حضرت علامه حسن‌زاده آملی، قطعاً مرتبط با بحث است.

ضمناً ایشان بت‌ها را عین ذات پروردگار می‌دانند! آیا بت‌ها جسم نیستند؟ مکان ندارند؟

و گفت که مردها در شب، با خداوند متعال، مواجهه (یعنی نکاح!!) می‌کنند.

خب آیا مفعول مردها، جسم و مکان ندارد؟

پس سخنان حضرت علامه‌ی شما، کاملاً مرتبط با توحید، تجسیم، و مکان‌مندی بود. و باید توضیح می‌دادید. که ندادید.

و اما درباره عقیده‌ی اهل سنت!

من یک ساعت و ربع پیش، در تکست نخست، کاملاً عقیده‌ی اهل سنت و جماعت را عرض کردم. لکن شما همچنان تکرار می‌کنید!

دوست عزیز! طبق اجماع اهل سنت و جماعت، هرکس خدا را دارای جسم [یعنی : مؤلف مرکب] بداند، و یا برای او مکان [یعنی : حیّز] قائل شود، و یا هر شباهت دیگری میان خالق و مخلوق بگذارد؛ مرتد است.

چه سایت باشد یا چیز دیگر. (و البته عین سخن سایت، و مقصود آنها، ذکر نشد توسط شما!)

منتها دقت بفرمایید که سایت‌ها هرگز حجّتی در بحث ما ندارند. و چه‌بسا بنده، فلان سایت را حتّی نشناسم!

اینجا گوگل نیست برادر عزیزم! گفتگوی علمیست. بر اساس منهج علمای فریقین.

شما درباره حدیثی که ذکر کردم، همچنان هیچ توضیحی نفرمودید.

گویا «اینکه خدا با شتر خود، از آسمان فرود بیاید» نیز، ربطی به توحید و تجسیم و مکان‌مندی نداشت!!

احادیثی در مذهب اهل تشیع است که صراحت در مکان‌مندی دارد. که توضیحی درباره آنها از حضرتعالی می‌خواهیم

توجه شما را جلب می‌کنم به شیخ صدوق که با سند صحیح از امام باقر روایت کرده که فرمود: «در مورد آنچه در زیر عرش است سخن بگویید. ولی در مورد آنچه در بالای عرش است، سخن نگویید. زیرا گروهی در مورد خداوند سخن گفتند و سرگشته شدند. تا جایی که مردی از روبه‌رو ندا داده می‌شد، پس از پشت سر جواب می‌داد و از پشت سر ندا داده می‌شد و از روبه‌رو پاسخ می‌داد.»

تَكَلَّمُوا فِي مَا دُونَ الْعَرْشِ وَلَا تَكَلَّمُوا فِي مَا فَوْقَ الْعَرْشِ، فَإِنَّ قَوْمًا تَكَلَّمُوا فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَتَاهُوا.. (التوحيد شيخ صدوق ١/٤٥٥ ، المحاسن برقي ١/٢٣٨)

حضور خدا در مکان بالای عرش، مکان‌مندی نیست؟

وباز، ابن بابویه قمي با سند صحیح از امام صادق، نقل می‌کند که فرمود: هرکس قبر حضرت حسین را در روز عاشوراء زیارت کند در حالی که عارف به حق آنحضرت باشد؛ مثل کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده است.

مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ يَوْمَ عَاشُورَاءَ عَارِفًا بِحَقِّهِ، كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ.
(کامل الزیارات ۱/۱۷۴)

حضور خدا «فی العرش : داخل عرش»، مکان مندی نیست؟

ابن بابویه قمی نیز از ابن مسکان [از أصحاب إجماع] نقل می کند که : مالک از امام صادق نقل کرد که فرمود : من، درخت (یا شاخه ای) از پهلوی خدا هستم. لذا هرکس به ما وصل شود، خدا به او متصل شده است.

عَنْ مَالِكِ الْجُهَنِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ : أَنَا شَجَرَةٌ مِنْ جَنْبِ اللَّهِ أَوْ جَذْوَةٌ
فَمَنْ وَصَلَنَا وَصَلَهُ اللَّهُ. (بصائر الدرجات ۱/۶۴)

همچنین شیخ کلینی در اصول کافی با سند کاملاً معتبر، از امام صادق نقل می کند که فرمود : هرگاه خدای عزوجل، خلق اولین و آخرین را در محشر جمع کند به ناگاه همه بنگرند شخصی پیش آید که هرگز صورتی زیباتر از وی دیده نشده است، که همان قرآن است.. و از آنها می گذرد تا به سمت راست عرش می ایستد و خدای جبار می فرماید : به عزّت و جلالم و به بلندی و ارتفاع مکانم سوگند؛ امروز گرامی می دارم هر که تو را گرامی داشته و خوار می کنم هر که تو را خوار کرده است.

فَيَقُولُ الْجَبَّارُ : وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَارْتِفَاعِ مَكَانِي لَا كُرْمَنَ الْيَوْمَ مَنْ أَكْرَمَكَ وَلَا هَيْنَنَّ مَنْ أَهَانَكَ. (اصول کافی ۲/۶۰۲)

ارتفاع مکانی پروردگار، چیست؟؟

درباره دست خدا نیز، سؤالی هست. که توضیح بفرمایید

شیخ کلینی در کتاب کافی با سند صحیح آورده که امام صادق از پیغمبر خدا نقل کرد که فرمود: «طوبی» درختی است که از جنت عدن بیرون آید و پروردگار ما، آن را با دست خودش کاشته است.

وَطُوبَى شَجَرَةٍ تَخْرُجُ مِنْ جَنَّةٍ عَدْنٍ غَرَسَهَا رَبُّنَا بِيَدِهِ. [کافی ۱۰/۲۰۰]

و نیز با سند مقبول، امام صادق از پیغمبر نقل میکند که فرمود: کتابی است که خدا آن را با دست راست خود نوشته؛ و البته هردو دست خدا، راست است؛ در آن کتاب، نامه‌های اهل بهشت، با نام خودشان و پدران و عشیره‌شان نوشته شده است. كِتَابٌ كَتَبَهُ اللَّهُ بِيَمِينِهِ وَ كِلْتَا يَدَيْهِ يَمِينٌ، فِيهِ أَسْمَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءُ آبَائِهِمْ وَعَشَائِرِهِمْ. [محاسن برقی ۱/۲۸۰]

و امام باقر از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل کرد که فرمود: آنان که بخاطر خدا یکدیگر را دوست بدارند، در قیامت بر زمین زبرجدی سبز در سایه عرش خدا و سمت راست خدا هستند و البته هردو دست خدا، راست است.

الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى أَرْضٍ زَبْرَجْدَةٍ خَضِرَاءٍ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ عَنْ يَمِينِهِ وَكِلْتَا يَدَيْهِ يَمِينٌ. [اصول کافی ۲/۱۲۶]

مجدداً شیخ کلینی با سند کاملاً معتبر از امام باقر (یا صادق) روایت می‌کند که فرمود: خدا زمین را آفرید و سپس تا چهل روز آب شور بر آن روان کرد و تا چهل روز آب شیرین. وقتی به هم برخورد و آمیخت، با دست خود مُشتی از آن برگرفت و هر دو را سخت در هم مالید و فشرد؛ و سپس به دو بخش کرد و از هر کدام از آن شور و شیرین، انبوهی بر آمدند به مانند انبوه ذره‌ها و گروهی راه بهشت گرفتند و گروهی راه دوزخ.

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ الْأَرْضَ ثُمَّ أَرْسَلَ عَلَيْهَا الْمَاءَ الْمَالِحَ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً وَالْمَاءَ الْعَذْبَ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً حَتَّى إِذَا التَّقَتْ وَاخْتَلَطَتْ أَخَذَ بِيَدِهِ قَبْضَةً فَعَرَكَهَا عَرَكاً شَدِيداً جَمِيعاً ثُمَّ فَرَّقَهَا فِرْقَتَيْنِ فَخَرَجَ مِنْ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا عُثْقٌ مِثْلُ عُثْقِ الذَّرِّ فَأَخَذَ عُثْقٌ إِلَى الْجَنَّةِ وَ عُنُقٌ إِلَى النَّارِ. [كافي ٨/٨٩]

دست خدا و مکان پروردگار در این روایات را توضیح بفرمایید استاد گرانقدر

TIAMO (ناظم گروه):

—□—□—

⇐ تایم استاد صمیمیت

شروع: ۲۳:۱۹

پایان: ۲۳:۲۹

—□—□— لطفا بعد پایان تکست استاد صمیمیت، هر دو عزیز جمع بندی رو بفرستید پی وی من که همزمان ارسال کنم گروه. لطفا موضوع جدید طرح نشه در جمع بندی. سپاسگزارم

صمیمیت (اهل تشیع):

۱- فرمودید هر کس خدا را جسم و مکانمند بداند مرتد است. ولی سایت رسمی اهل سنت و جماعت که #عقیده_صحیح اسلامی را زیر نظر بزرگان و علمای سنی اداره می شود نوشته است مالک بن انس (امام مذهب مالکی) معتقد بوده خدا بالای عرش نشسته است و در فتوای ۱۹۳۲۰ نوشته اند اگر کسی بگوید علو خدا به

معنای #مکان_دار بودن خداست درست و صحیح است و در فتوای ۳۵۶۳۹۲ از قول ابن تیمیه آورده اند که «مکان چیزی است که بر شیء احاطه دارد» پس با این مقدمات، اهل سنت خدا را مکان دار میدانند و امام سنی ها (جناب مالک) معتقد است خدا بالای عرش نشسته است و این تیمیه هم می گوید مکان، محیط به شی است. در نتیجه خدا محاط مکان است!

حال اگر میخواهید همه این بزرگان و مسئولین و علمای اداره کننده سایت جهانی «اسلام وب» را مرتد بدانید من مانعی نمی بینم و هر طور خودتان صلاح میدانید!

۲- فرمودید «سایتها حجتی برای ما ندارند» ولی این سایتها از جیبشان حرفی نزدند جناب صلاح الدین. اقوال علمای خودتان را با ذکر آدرس ذکر کردند. پس تهافت میان اقوال مذکور توسط شما و اقوال مذکور توسط سایت اسلام وب به قوت خود باقی است.

۳- روایاتی که دال بر تجسیم است اگر قابل تاویل نباشد به جهت تعارض با قرآن مردود است. این عقیده شیعه است که روایات را بر قرآن عرضه میکنند ولی اهل سنت که این قاعده را قبول ندارند و آنرا از وضع روافض و زنادقه میدانند چه میکنند با روایات تجسیم؟ من نمیدانم. با این حساب تکلیف سخنان علما هم روشن است و پاسخ داده شد [هر چند محمل صحیح دارد که در فن عرفان نظری مبسوطاً بیان شده است]

۴- هنوز آیات قرآن را برای ما معنا نفرمودید. آیا آنچه از این آیات - از دست و چشم و پای خدا - می فهمید به همان معنایی است که درباره انسانها می فهمید یا چیز دیگری است؟ اگر منکر تجسیم هستید آیات را برای ما معنا کنید؟

TIAMO (ناظم گروه):

هر دو عزیز لطفاً جمع بندی خودتون و ارسال بفرمایید پی وی من که همزمان بفرستم گروه/ سپاسگزارم

صلاح الدین (اهل سنت)

بسیار خوب، برادر عزیز صمیمیت

من جمع بندی ای کنم. [گرچه مطالب بسیاری بود که خواستم مطرح و پرسجو کنم. لکن وقت، تمام شد. البته یک و نیم ساعت، تایم کمی نبود.

شما در پایان، مجدداً سؤالی پرسیدید. گویا نمی دانستید که تایم بعدی بنده، صرفاً جمع بندی است. لذا از عرایض قبلی (و نه چیز جدید)، تکرار می کنم.

چنانکه امام نووی فرمود [و عقیده بنده و سایر ما اهل سنت و جماعت است]: در باب صفات خبریه (که ظاهرش تشبیه است) دو رویکرد در اهل سنت است:

۱. بسیاری از سلف و برخی از خلف می گویند: امثال این آیات و احادیث را، همین گونه که خدا و رسول فرموده، ما نیز حکایت می کنیم. و خدا را منزه از تشبیه به مخلوقات می دانیم. و تعیین نمی کنیم که مقصودش دقیقاً کدام است. بلکه به خود خدا موکول می کنیم.

خدا فرموده «بیده الملك». ما نیز می گوییم: فرمانروایی، به دست پروردگار است.

و تصریح می کنیم که مقصود از «ید» در این آیه، قطعاً تجسیم و تشبیه نیست. و اصلاً ارتباطی با «دست های مخلوقات» ندارد. بلکه معنایی غیر از این دارد. که از تعیین آن، خودداری می کنیم. [اگر بگوییم قدرت است؛ شاید سُلطه باشد. و اگر بگوییم

سلطه است؛ شاید نفوذ باشد. لذا یک تأویل را تعیین نمی کنیم و سکوت می کنیم].
این، موضع برخی از اهل سنت [که شامل بسیاری از سلف صالح است]

والرب فوق العرش والكرسي لا * يخفى عليه خواطر الإنسان * لا تحصره في مكان إذ تقو * لوا ربنا حقا بكل مكان. پروردگار، مستوي بر عرش است. اما نه به معنای مکان مندی! بلکه استواء إلهي! [که منزّه از استواءات مخلوقات است. و به معنای نشستن و حرکت و انتقال، نیست].

۴. از طرفی، بسیاری از خلف و برخی از سلف نیز گفته اند: مقصود را تعیین می کنیم و بر اساس لغت عرب و فصاحت و بلاغت عربی، مشخص می کنیم. [که شامل بسیاری از خلف است]

هر دو طیف، معتقد اند که این آیات و روایات درباره خدا، آن معنای «دست و چشم ظاهری و تجسیم و تشبیه» را نمی دهد. و خدا منزّه از صفات خلائق است.
و اما جمع بندی بنده :

ما در ابتدا، عقیده ی اهل سنت و جماعت را برای شما عرض کردیم. و منزّه بودن پروردگار، از شباهت به مخلوقات را، از کلام علمای اهل سنت و اجماع آنان آوردیم. طبق اجماع اهل سنت و جماعت، هر کس خدا را دارای جسم [یعنی : مؤلف مرکب] بداند، و یا برای او مکان [یعنی : حیّز] قائل شود، و یا هر شباهت دیگری میان خالق و مخلوق بگذارد؛ مرتد است.

سپس دو سؤال از حضرت عالی کردیم : یکی درباره سخنان آیت الله العظمی بهجت، که امامان را مانند خداوند دانست [غیر از در چند صفت!]. و نیز افاضات آیت الله العظمی حسن زاده آملی! که همه چیز را #عین خدا خواند. و سخنان دیگری گفت [که از نقل مجدد آن، معذورم. و واقعاً شرم آور بود]

منتها هیچ پاسخی از شما بزرگوار، ندیدیم.

سپس فرمودید که نظر اهل سنت در باب تجسیم و مکان‌مندی را بیاورم؛ [درحالی که نخستین تکست من در مناظره، اقوال علما در این باره بود، وگویا اصلاً نگاهی نینداختید!!] لکن مجدداً فرمایشات فحول اهل سنت و جماعت را آوردم.

و درباره حدیثی از منابع اهل تشیع پرسیدیم [که گفته بود: پروردگار، بر روی شتری از آسمان هبوط میکند به صحرای عرفات!!!]. که این را نیز، هیچ پاسخی نفرمودید.

سپس احادیث صحیحی آوردیم که صراحته خدا را بر روی عرش دانسته و قَسَم به «ارتفاع مکان خدا» خورده. و صراحته خدا دو دستِ راست دارد! و.. و.. و..

که متأسفانه هیچیک را، توضیح نفرمودید. و صرفاً گفتید که اینها بی ربط با موضوع توحید و مکان‌مندی و تجسیم است.

با تشکر از برادر عزیزم صمیمیت، و اعضای محترم، و هر مسلمانی که عرایض ما را خواند و منصفانه قضاوت کرد. والسلام علیکم جمیعاً ورحمة الله وبرکاته

صمیمیت (اهل تشیع):

جمع بندی:

امشب بحث بسیار خوبی مطرح شد. انتظار داشتیم جناب صلاح الدین مطلبی علمی ارائه بدهند و از دیدگاه اهل سنت دفاع کنند اما متأسفانه چیزی دستگیر بنده نشد.

۱- تهافت و تعارض میان اقوال ارسالی ایشان و ادعای سایت رسمی اهل سنت و جماعت حل نشد. کدامیک نظر رسمی اهل سنت است؟ لا اقل و از باب حسن ظن باید گفت دو دیدگاه است و برخی علمای سنی خدا را جسم و دارای مکان میدانند

۲- آیات ارسالی توسط بنده هم معنای درستی نشد و نفهمیدیم عزیزان اهل سنت اینگونه آیات را چگونه معنا میکنند. صرفاً با گفتن «خدا مقصود دیگری داشته است» نمی شود پاسخ سوال را داد.

۳- روایات مطروحه در مجامع حدیثی امامیه - همانند آیات قرآن- معنای می شود. عرش خدا کنایه از عظمت و مقام تدبیر الهی است. دست خدا به معنای قدرت اوست. اگر روایتی خلاف قرآن و دال بر تجسیم باشد که قابل تاویل نباشد- که معتقدیم بسیار اندک است- مردود است و شیعه آنرا بی اعتبار میدانند ولی اهل سنت چون قائل به عرض حدیث بر قرآن نیستند چاره ای ندارند که ظاهر روایات را اخذ کرده و آنرا به همان صورت ظاهرش بپذیرند. و آخر دعوانا الحمد لله رب العالمین

TIAMO (ناظم گروه):

#پایان_مناظره

خسته نباشید هر دو عزیز بزرگوار

صلاح الدین (اهل سنت)

تشکر. یرحمکم الله

• [٢٣٠٧] حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ مُوسَى ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مَيْمُونٍ ، عَنْ ابْنِ طَاوُسٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : « يَذُ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ » .

از يحيى بن موسی : از عبدالرزاق صنعانی : از ابراهیم بن میمون : از عبدالله بن طاوس : از طاوس بن کيسان : از حضرت ابن عباس که پیغمبر خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّم فرمود : دست خدا با جماعت [امت] است.

أَهْلُ السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ

